

راهبردها و موانع تکوین «نگرش ایمانی» از نظر قرآن کریم

مبتنی بر الگوی ناهماهنگی شناختی در
روان‌شناسی اجتماعی

دکتر سیدسجاد طباطبایی نژاد

کارشناس حوزه قرآن و معارف اسلامی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

اشاره

«ایمان» و «نگرش» به ترتیب از محوری‌ترین مفاهیم در آموزه‌های دینی و روان‌شناسی اجتماعی هستند.

برایند پیوندی نزدیک میان حوزه موضوعی نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و مباحث قرآنی در حوزه ایمان، اصطلاح «نگرش ایمانی» را شکل می‌دهد؛ نگرشی که با رویکردی قرآنی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش افراد در روان‌شناسی نسبت به متعلقات ایمان شکل گرفته است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر الگوی ناهماهنگی شناختی که یکی از پرکاربردترین الگوهای شناخته شده در روان‌شناسی اجتماعی برای تکوین نگرش‌هاست، مفهوم نگرش ایمانی و راهبردها و موانع مؤثر بر تکوین آن را از خلال آیات الهی بازخوانی کرده و با پایبندی به لوازم مطالعه‌ای میان رشته‌ای، این راهبردها و موانع قرآنی را استخراج می‌کند. براساس یافته‌های این پژوهش، قرآن راهبردهایی چون «تجدی پیامبران»، «توجه به لوازم اعتقادات»، «تأکید بر عزت و کرامت نفس» و «تأکید بر نیاز وجودی به خدا» و موانعی همچون «اختلاف در پذیرش دین» و «استخفاف گناه» را در راستای تکوین نگرش ایمانی مخاطبان از رهگذر این الگو معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی ناهماهنگی شناختی، ایمان، روان‌شناسی اجتماعی، نگرش، نگرش ایمانی.

نگرش ایمانی

نگرش، عبارت است از نظام بادوامی که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است.

ایمان نیز در ادبیات دینی این‌گونه تعریف شده است: «لایمانُ إقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» «ایمان با زبان اقرار کردن، با دل شناختن (تصدیق قلبی) و با اعضا عمل کردن است» (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶، ج ۳: ۴۰).

با توجه به این تعریف سه مؤلفه‌ای از ایمان، مشابهت‌های فراوانی میان مفهوم «ایمان» و «نگرش» به چشم می‌خورد که گاه معرکه آراء محققان و پژوهشگران قرار گرفته است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴۴ - ۱۴۰؛ رزاقی، ۱۳۸۷: ۶۰ - ۵۵؛ کاویانی، ۱۳۷۶: ۴۱).

با وجود این، «ایمان» در اصطلاح «نگرش ایمانی» نه به‌عنوان مترادفی برای نگرش ذکر شده تا شبیه یکسانی این دو مفهوم به میان آید، بلکه به‌عنوان قید تخصیصی - نه توضیحی - برای مفهوم «نگرش» به کار رفته است و این در جایی است که پژوهشگر، نگرش را مفهومی عام با زمینه‌های متنوع گرفته و بر آن است که نگرش در ساحات مختلف زندگی بشر می‌تواند تحقق یابد. با این رویکرد، «نگرش ایمانی» ناظر به نگرشی است که باید نسبت به مسائل و حوزه‌های دخیل در ایمان و متعلقات مربوط به آن دنبال شود و در عرض نگرش‌های دیگر چون نگرش سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۸: ۳۲۶ - ۳۲۳). با توجه به آنچه در تعریف نگرش بیان شد، در یک نگاه کلی می‌توان گفت، اصطلاح «نگرش ایمانی» به آن دست از نگرش‌ها اطلاق می‌شود که شناخت‌ها و عواطف و رفتار مخاطبان در حوزه مسائل و متعلقات ایمان شکل گرفته باشد. بدین معنا که فرد نسبت به یکی از متعلقات ایمان (مثلاً ایمان به خدا)، اولاً معرفت لازم و کافی به آن را به‌دست آورد، ثانیاً نسبت به آن گرایش مثبت پیدا کند و آن را دوست بدارد، و ثالثاً برای انجام رفتار و عملی عبادی و ارزشی، نسبت به آن آمادگی داشته باشد.

بدین معنا، هر مقدار نگرش‌های فرد نسبت به متعلقات ایمان به‌صورت کامل‌تری شکل گرفته باشد، یعنی شناخت‌ها، عواطف و رفتار فرد نسبت به متعلقات ایمان در حد کامل‌تر و وسیع‌تری ایجاد شده باشد، فرد در مراتب ایمان از حد بالاتری برخوردار خواهد بود.

الگوی ناهماهنگی شناختی^۱

لئون فستینگر^۲ در سال ۱۹۵۷ با انتشار کتاب

«نظریه ناهماهنگی شناختی»^۳، حجم عظیمی از ادبیات پژوهشی موجود در زمینه ناهماهنگی را یکپارچه، و برای اولین بار الگوی «ناماهنگی شناختی» را در سطح نظری ارائه کرد (۳۱۶: ۲۰۰۸، Stone&fernandez). براساس این الگو، شناخت‌های یک فرد ممکن است هماهنگ، ناهماهنگ یا نامربوط باشند. وقتی شخص دو شناخت هم‌زمان داشته باشد که با یکدیگر ناهماهنگ یا متناقض باشند، ناهماهنگی شناختی به‌وجود می‌آید. فرض بنیادی نظریه مورد نظر این عقیده است که انسان همیشه برای حفظ هم‌سنخی، انسجام یا هم‌سازی درونی بین عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌هایش تلاش می‌کند. به‌عبارت دیگر، نوعی کشاننده به‌سوی هماهنگی بین شناخت‌ها وجود دارد. براین اساس، ناهم‌سازی ایجادکننده تنش است و این حالت برانگیختگی ناخوشایند، شخص را به کاهش دادن یا برطرف ساختن ناهم‌سازی برمی‌انگیزد (Festinger ۱۹۵۷: ۳). اندازه این ناهم‌سازی و به دنبال آن میزان برانگیختگی ناخوشایند در فرد، به نسبت شناخت‌های ناهماهنگ به شناخت‌های هماهنگ و اهمیت هر یک از شناخت‌ها برای شخص بستگی دارد و براساس این ناهم‌سازی تغییر نگرش اتفاق می‌افتد (۹: ۲۰۰۷، cooper). البته ممکن است شخص در ابتدا متوجه ارتباط میان این دو شناخت نباشد و پس از آگاهی از آن، تنش مزبور در وی ایجاد شود. مثلاً این شناخت که «من با تقوا هستم»، با این شناخت که «گاهی با زبان خود دیگران را آزار می‌دهم»، متعارض هستند. ممکن است مرتبط بودنشان در ابتدا برای شخص معلوم نباشد و از سوی منبعی دیگر، این آگاهی و تعارض این دو گزاره برای فرد روشن شود (رزاقی، ۱۳۸۷: ۸۸). به هر حال، پس از درک این ناهماهنگی و تعارض میان شناخت‌ها، به‌عقیده روان‌شناسان، هر فرد یکی از این سه راه را برمی‌گزیند:

الف) نخست آنکه ناهماهنگی شناختی را با دریافت اطلاعات تازه‌ای که نگرش‌ها یا رفتارهای وی را تأیید می‌کنند کاهش دهد. براین اساس تعداد یا اهمیت عناصر هم‌ساز در نگرش یا رفتار افزایش می‌یابد (مثلاً فرد در حافظه‌اش شواهد بیشتری را برای با تقوا بودن خود جست‌وجو می‌کند یا رفتارهای مثبت اخلاقی خود را افزایش می‌دهد).

ب) فرد در حالت ناهماهنگی می‌تواند اهمیت ناهماهنگی را کاهش دهد. به‌عبارت دیگر، دست به ناچیز انگاری بزند، یعنی چنین نتیجه بگیرد که نگرش‌ها یا رفتار مورد بحث مهم نیستند. بنابراین، وجود هر گونه ناهماهنگی میان آن‌ها نیز بی‌اهمیت است (در مثال بالا، فرد خود را متقاعد می‌سازد

اصطلاح «نگرش ایمانی» به آن دست از نگرش‌ها اطلاق می‌شود که شناخت‌ها و عواطف و رفتار مخاطبان در حوزه مسائل و متعلقات ایمان شکل گرفته باشد

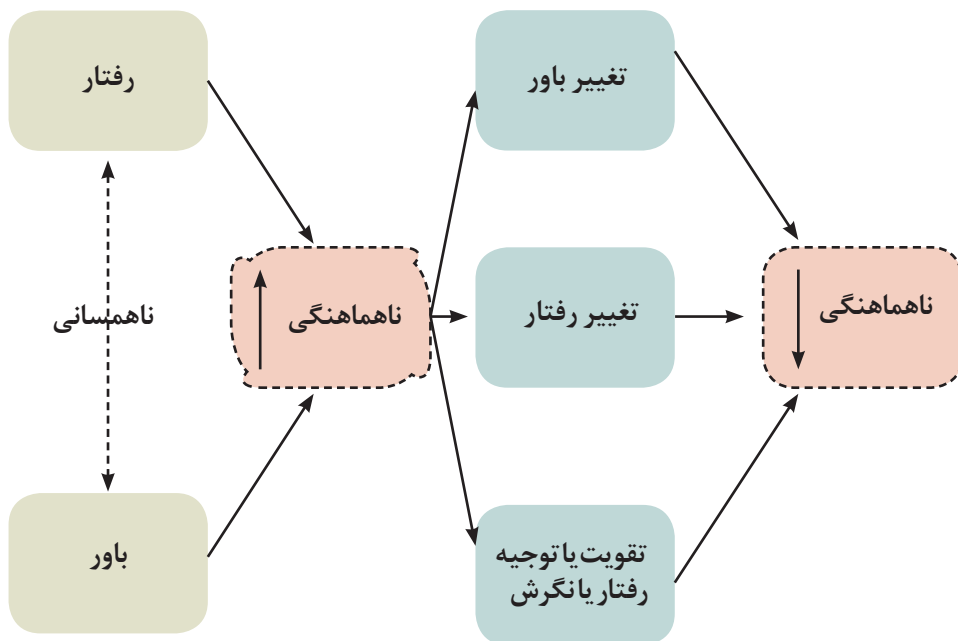


که دو سه بار آزار زبانی با تقوا منافاتی ندارد و در نتیجه مهم نیست).

ج) فرد می‌تواند یکی از عناصر ناهمساز را به نحوی تغییر دهد که با شناخت‌های دیگر او همساز شود. این تغییر متضمن تغییر نگرش فرد است، به طوری که نگرش با رفتاری که قبلاً انجام گرفته یا افکار و باورهای فرد بیشتر بدان متمایل است، هماهنگ شود (در مثالی که گذشت، فرد باید معتقد شود که من چندان هم با تقوا نیستم و باورش را به نحوی تغییر دهد که آن را با رفتارش، که همان آزار زبانی باشد، هماهنگ سازد و یا از سوی دیگر، دست از آزار زبانی بردارد و تقوای خویش را ثابت کند) (۶: Festinger, ۱۹۵۷؛ رزاقی، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۸). انتخاب میان این شقوق گوناگون، تابعی است از میزان تناسب یا تناقض اطلاعات دانشی که در دسترس است، با ارزش این اطلاعات برای ما و زمینه خاصی که ناهماهنگی در آن رخ می‌دهد (۸- ۷، ۱۹۵۷، Festinger؛ بارون و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

پس از فستینگر، با انجام پژوهش‌های دقیق‌تر در زمینه ناهماهنگی شناختی، این الگو چهره کامل‌تری به خود گرفت و مشخص شد که نبود انسجام شناختی و وجود یک ناهمخوانی منطقی و وار میان دو شناخت، به خودی خود نمی‌تواند تغییرات شناختی- رفتاری مطرح شده توسط این نظریه را تبیین کند و مؤلفه‌های دیگری نیز باید در تحلیل‌ها مورد توجه قرار گیرند. از جمله اینکه رفتار باید با اختیار خود فرد انجام گیرد، یا رفتار باید حاوی نوعی تعهد باشد تا بتواند باعث ناهماهنگی شود. از سوی دیگر، پاره‌ای از روان‌شناسان نیز معتقد شدند که با شکل‌گیری دو شناخت متعارض، همیشه تلاش برای کاهش ناهماهنگی در فرد رخ نمی‌دهد، بلکه این تلاش تا حدود زیادی به میزان ناهماهنگی ایجاد شده بستگی دارد؛ یعنی ناهماهنگی شناختی باید به حدی رسیده باشد که بتواند، برای کاهش ناهماهنگی، چنین تلاشی را در فرد برانگیزد (۴۵: Zhou&others, ۲۰۰۹).

مدل الگوی ناهماهنگی شناختی



پاره‌ای از روان‌شناسان نیز معتقد شدند که با شکل‌گیری دو شناخت متعارض، همیشه تلاش برای کاهش ناهماهنگی در فرد رخ نمی‌دهد، بلکه این تلاش تا حدود زیادی به میزان ناهماهنگی ایجاد شده بستگی دارد

راهبردهای مؤثر بر تکوین نگرش ایمانی در قرآن با رویکرد الگوی ناهماهنگی شناختی:

با توجه به توضیحاتی که گذشت، اساس الگوی ناهماهنگی شناختی در تکوین نگرش‌ها، بر ایجاد شناخت‌های ناهماهنگ در افراد استوار است تا در تلاش برای کاهش این ناهماهنگی‌ها، فرد نگرش‌های خود را سامان دهد. با مراجعه به متون و ادبیات دینی، درمی‌یابیم که این رویکرد در آموزه‌های قرآنی مورد توجه قرار گرفته است و گاه از رهگذر ایجاد این ناهماهنگی‌ها، اقناع مخاطب و تقویت نگرش‌های ایمانی وی پیگیری شده است. قرآن کریم در این راستا از راهبردهای زیر بهره جسته است:

- تحدی پیامبران
- توجه به لوازم اعتقادات
- تأکید بر عزت و کرامت نفس
- تأکید بر نیاز وجودی به خدا

موانع تکوین نگرش ایمانی در قرآن با رویکرد الگوی ناهماهنگی شناختی

از آنجا که اساس الگوی ناهماهنگی شناختی در تغییر نگرش‌های افراد و اقناع مخاطب بر ایجاد ناهماهنگی شناختی استوار است، گاه مشرکان و گمراهان با اتخاذ رویکردهایی خاص، به مقابله با این ناهماهنگی‌های به وجود آمده می‌پرداختند تا برآیند شناخت‌های خود را متناسب با اعتقادات کافرانه و مشرکانه خود سامان دهند و از پذیرش دعوت حق انبیا سرباز زنند. این رویکرد، از آنجا که مانع ایجاد ناهماهنگی شناختی در مخاطبان می‌شود، از جمله موانع تکوین نگرش ایمانی در مخاطبان محسوب می‌شود که از رهگذر الگوی ناهماهنگی شناختی در روان‌شناسی اجتماعی تحلیل می‌گردد. در ادامه، این موانع در خلال آیات قرآن تحلیل و بررسی می‌شود:

۱. اختلاف در پذیرش دین

اختلاف در پذیرش دین که به صورت اختلاف در پذیرش محتوای دعوت انبیا و کتب مقدس (بقره/۸۵) یا اختلاف در پذیرش نبوت برخی پیامبران (نساء/۱۵۰) در خلال آیات گزارش شده است، از سوی قرآن مذموم و عامل ضلالت از مسیر ایمان و ورود به دایره کفر (نساء/۱۵۰) و گرفتاری به لعنت (بقره/۱۵۹) و عذاب الهی (بقره/۸۵) معرفی شده است. منشأ این اختلاف در دین، ابهام دین خدا و تعارض غیرقابل علاج یعنی

تباین و تناقض آن نیست، چرا که کتاب خدا و پیام انبیا «بین» است و «بینات» در پرورد و هیچ ابهامی در آن‌ها نیست: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...» (بقره/۲۱۳). ... و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد. پس از آنکه دلایل روشن بر آنان آمد. به خاطر ستم [و حسد] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد ...

مفسران «بغی» را در این آیه به معنای حسادت که علمای دین نسبت به یکدیگر می‌ورزیدند (ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۲۹۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۸)، انگیزه دنیاطلبی ایشان (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۵۶)، انگیزه ظلم و ریاست‌طلبی آن‌ها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۴۴؛ شبر، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۱۳) و معانی مشابه آن از حرص و هوا و هوس (سیدبن قطب، ۱۴۱۲، ۲۱۸) تفسیر کرده‌اند. بر این اساس، این گروه از عالمان همواره خودمحورند نه حق‌محور و با ظلم و حسد و ریاست‌طلبی، آنچه را از برنامه‌های دینی به سودشان باشد، می‌پذیرند و به آن اذعان دارند: «وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ» (نور/۴۹): و اگر حق به جانب ایشان باشد، به حال اطاعت به سوی آن می‌آیند. ولی آنچه مطابق با امیال نفسانی ایشان نباشد، نمی‌پذیرند و در برابر آن استکبار می‌ورزند: «أَفَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِقًا كَذَبْتُمْ...»

: ... پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خویشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید ... (بقره/۸۷) پس معبود اصیل آنان هوای نفس و ملاک و میزان پذیرش آن‌ها میل نفسانی آنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۴۱۷ - ۴۱۵). این «بغی» و پذیرش پاره‌ای از دین و ایجاد تحریف و انحراف در اصل دین، از آنجا که نوعی خروج از انصاف و ظلم به‌شمار می‌آید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۵۶)، مانع از ایمان و شکل‌گیری نگرش‌های مؤمنانه در افراد می‌شود و از آنجا که اتخاذ رویکرد پذیرش گزینشی دین و پیام‌های دینی، آن بخش از آموزه‌ها را که ناسازگار با امیال نفسانی افراد باشد طرد می‌کند لذا مانع ایجاد شناخت‌های ناهماهنگ در افراد می‌شود و از این‌رو به‌عنوان مانع شکل‌گیری نگرش ایمانی از رهگذر الگوی ناهماهنگی شناختی بررسی می‌شود.

تحریف محتوای کتاب آسمانی، به‌گونه‌ای که با امیال نفسانی افراد سازگار باشد نیز از آنجا که

تحریف محتوای کتاب آسمانی، به‌گونه‌ای که با امیال نفسانی افراد سازگار باشد نیز از آنجا که مانع بروز شناخت‌های ناهماهنگ در افراد می‌شود، از این رهگذر تحلیل می‌گردد



مانع بروز شناخت‌های ناهماهنگ در افراد می‌شود، از این رهگذر تحلیل می‌گردد. قرآن کریم در گزارش این رفتار دو نوع تحریف را از سوی علمای یهود معرفی کرده است؛ تحریف لفظی، که گاه الفاظ تورات را در گفتار و نوشتار تغییر می‌دادند و به عوام‌الناس می‌گفتند این کلام خداست (بقره/۷۹) و دیگری تحریف معنوی و تفسیر به رأی، که گاه در معنا و تفسیر تورات تصرف می‌کردند. آنان کلام خداوند را تحریف می‌کردند و آن‌گاه به مقلدان خود می‌گفتند که اگر به پیامبر (ص) مراجعه کردید و سخنان ما را تأیید کرد، قبول کنید، وگرنه آن را نپذیرید (مائده/۴۱) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۴). قرآن کریم به صراحت تأکید می‌کند که امید ایمان آوردن چنین افرادی که عاقلانه و عامدانه با کتاب آسمانی خود چنین می‌کنند، وجود ندارد: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره/۷۵).

آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند.

۲. استخفاف گناه

از آنجا که استخفاف گناه در واقع بی‌اعتنایی به عظمت خداوند و کوچک شمردن امر و نهی اوست، از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۴۰ - ۲۳۹). کوچک شمردن گناهان و در نتیجه ساده‌انگاری عذاب الهی در نتیجه این گناهان، به‌عنوان یکی از موانع مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌های مؤمنانه در افراد از رهگذر الگوی ناهماهنگی شناختی در روان‌شناسی اجتماعی، معرفی می‌شود، چرا که کاهش شناخت‌های ناهماهنگ در مخالفان، از ایجاد ناهماهنگی شناختی در ایشان جلوگیری می‌کند و زمینه ارتکاب گناهان و خروج از طریق ایمان را فراهم می‌آورد. توضیح اینکه شناخت بزرگی گناه، به‌عنوان یک عامل بازدارنده در فرد، موجبات هدایت فرد و قرار گرفتن در مسیر ایمان را فراهم می‌کند؛ چنانچه در ادبیات‌روایی، یکی از نشانه‌های مؤمن این نکته ذکر شده است که گناه خود را به اندازه صخره‌ای می‌بیند که خوف آن دارد بر سرش فرود آید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۷). لذا اگر کسی گناه خود را بزرگ ببیند و از عواقب آن بترسد، به‌راحتی جرئت ارتکاب گناه نمی‌کند و در مسیر

ایمان می‌ماند. بر این اساس، مرتکب گناه، برای توجیه عمل خود، باید از شناخت‌های ناهماهنگ در خود بکاهد و توجیه کافی برای انجام گناه را ایجاد کند. یکی از راه‌های کاستن این ناهماهنگی استخفاف و کوچک شمردن آن است که از فراهم آمدن دو شناخت ناهماهنگ در خود جلوگیری می‌کند. در این فرض، حتی اگر رفتار فرد به‌عنوان گناه شناخته شده باشد، از آنجا که گناه در نگاه او مقوله‌ای ناچیز است، ارتکاب آن برای وی ساده است و از او صادر می‌شود.

قرآن، پس از اشاره به بزرگ‌ترین گناهان علمای اهل کتاب چون تحریف و بدعت در دین، از ایشان چنین نقل قول می‌کند: «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً...» (بقره/۸۰). گفتند: «جز روزهایی چند، هرگز آتش به ما نخواهد رسید.» ...

این گفتار، افزون بر اینکه بر نژادپرستی و حس برتری جوی بنی‌اسرائیل دلالت دارد، نشان بر استخفاف و کوچک شمردن آنان نسبت به گناهانی است که مرتکب می‌شدند؛ چرا که اگر معصیت خدا برای آنان اهمیتی داشت و از عاقبت و آثار قهری آن هراسان بودند، این‌گونه از خود جرئت نشان نمی‌دادند که این خود دلیل بر ضعف ایمان ایشان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۲۸). در جای دیگر، برادران حضرت یوسف نیز با استخفاف گناه خود، توجیه کافی را برای عملی ساختن نقشه خویش یافتند: «أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ» (یوسف/۹). [یکی گفت:] «یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید، تا توجه پدرتان معطوف شما گردد، پس از او مردمی شایسته باشید.

از این سخن استفاده می‌شود که ایشان احکام دین را محترم و مقدس می‌شمردند و این عمل را گناه و آن را جرم می‌دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۲۳)، اما با سبک دانستن گناه خود، شدت ناهماهنگی شناخت موجود (گناه بودن نقشه‌ای که داشتند) با شناخت از پیش حاصل شده (مانع بودن حضرت یوسف برای بهره‌مند شدن از لطف پدر) را با توجیه توبه بعد از ارتکاب گناه برای خود کاسته و تصمیم به عملی کردن نقشه خود گرفتند. این معنا را برخی مفسران نیز مطرح کرده‌اند (ر.ک: آل سعدی، ۱۴۰۸: ۴۵۲).

استخفاف گناه اگر عرصه اجتماع و به‌صورت عمومی اتفاق افتد و قبح گناه در جامعه از بین

قرآن کریم به صراحت تأکید می‌کند که امید ایمان آوردن چنین افرادی که عاقلانه و عامدانه با کتاب آسمانی خود چنین می‌کنند، وجود ندارد: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

برود، آثار زینباری را بر جای خواهد گذاشت تا جایی که در انجام گناه حق برای افراد ثابت می‌شود و در این حالت اصلاً شناخت ناهماهنگی برای ایشان پیش نمی‌آید، چرا که انجام گناه را حق قانونی و طبیعی خود می‌دانند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۳۴۱). بر همین اساس، قوم حضرت لوط (ع)، با بی‌رغبتی به جنس مخالف، حق ازدواج با آن‌ها را از خود سلب کرده و آشکارا به گناه روی آورده بودند: «قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ مَا نُرِيدُ» (هود/۷۹).

گفتند: تو خوب می‌دانی که ما در مورد دخترانت حقی نداریم و تو خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم.

نتیجه‌گیری

الگوی ناهماهنگی شناختی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین الگوهای تکوین نگرش در روان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌آید که در بستر شکل‌گیری شناخت‌های ناهماهنگ و متضاد راهبردهایی را برای تکوین، تقویت یا تغییر نگرش در مخاطبان معرفی می‌کند. این پژوهش با محوریت الگوی ناهماهنگی شناختی، مفهوم نگرش ایمانی و راهبردها و موانع مؤثر بر تکوین و تقویت آن را در قرآن کریم بازخوانی می‌کند و از رهگذر این الگو، مهم‌ترین راهبردها و موانع قرآنی را در راستای تکوین و تقویت نگرش ایمانی افراد معرفی می‌کند.

اولین راهبرد، تحدی پیامبران است تا افراد در مقابل آن، با دو شناخت متناقض درون خود مواجه شوند. از یک‌سو مورد تحدی را ساخته و پرداخته بشر می‌شمارند و از سوی دیگر خود را از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان می‌یابند. راهبرد دیگر، توجه دادن مخاطب نسبت به لوازم اعتقادات خود است که این امر در خلال آیات، با اشاره به لوازم اعتقادات باطل و نیز توجه دادن مخاطبان به لوازم اعتقاد به خالقیت الله، بیش از سایر موارد دنبال شده است تا مخاطب را در دوراهی انتخاب میان اعتقادات خود و لوازم ضروری آن قرار دهد. تأکید بر عزت و کرامت نفس در مخاطب، دیگر راهبرد قرآنی ایجاد ناهماهنگی شناختی در فرد است، چرا که فرد را پس از انجام عملی که به گناه بودن آن اذعان دارد، در تعارض میان عمل منفی انجام شده و شناخت مثبت از خود در نتیجه عزت‌نفس، قرار می‌دهد. تأکید بر نیاز وجودی به خدا نیز از آنجا که در تعارض با سایر نیازهای مادی و موقت درون فرد قرار می‌گیرد، به‌عنوان راهبرد دیگری در این راستا معرفی شده است.

در بخش دوم مقاله، با تکیه بر آیات نورانی قرآن، دو مانع مهم در راستای ایجاد ناهماهنگی شناختی در افراد معرفی شده است که با توجه به مسیر معرفی شده در الگوی ناهماهنگی شناختی، مانع شکل‌گیری نگرش ایمانی در افراد می‌شوند. یکی از این موانع، اختلاف افراد در پذیرش دین است. در این حالت، افراد با اتخاذ رویکرد پذیرش گزینشی دین، آن بخش از آموزه‌ها را که با امیال نفسانی‌شان ناسازگار باشد، طرد می‌کنند و مانع ایجاد شناخت‌های ناهماهنگ در خود می‌شوند. مانع دیگر در همین راستا کوچک شمردن گناهان و به تبع آن عذاب الهی است، چرا که با کاهش ناهماهنگی شناختی در افراد، توجه کافی نسبت به انجام گناه و خروج از طریق ایمان برای ایشان فراهم می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

1. The cognitive dissonance model
2. Festinger, Leon
3. Theory of Cognitive Dissonance

منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه‌الرضاع (ع)، بی‌جا (۱۴۰۶ ق). کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۳. آذربایجانی و همکاران. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی (۱۳۸۲). پژوهشکده حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
۴. ابن عاشور، محمدبن‌طاهر. التحرير و التنوير. بی‌جا. بی‌تا.
۵. بارون، رابرت؛ برن، دونا و جانسون، بلرتی. روان‌شناسی اجتماعی (۱۳۸۹). ترجمه علی تحصیلی. نشر کتاب آمه. تهران.
۶. پاکتچی، احمد. «الزامات زبان شناختی مطالعات میان رشته‌ای». (۱۳۸۷). فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. سال اول، شماره ۱.
۷. جوادی آملی، عبدالله. تفسیر تسنیم (جلد اول) (۱۳۸۸). نشر اسرا. قم.
۸. رزاقی، هادی. نگرش و ایمان در تربیت دینی (۱۳۸۷). انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم.
۹. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (۱۴۰۷ ق). دارالکتب العربی، بیروت سوم.
۱۰. سیدبن‌قطب، ابن ابراهیم شاذلی. فی ظلال القرآن (۱۴۱۲ ق). دارالشروق. بیروت هفدهم.
۱۱. طبرسی، فضل‌بن‌حسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (۱۳۷۲). انتشارات ناصر خسرو. تهران.
۱۲. قرطبی، محمدبن‌احمد. الجامع لأحكام القرآن (۱۳۶۴). انتشارات ناصر خسرو. تهران.
۱۳. کاویانی، محمد. «آثار روانی - اجتماعی خدا باوری» (۱۳۷۶). فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۱۳، زمستان.
14. Cooper, Joel, Cognitive Dissonance: Fiftyyears of a classic theory. London: Sage Publications, 2007.
15. Festinger, Leon. A Theory of Cognitive Dissonance, California, Stanford University Press, 1957.
16. Stone, Jeff & Fernandez, Nicholas C., "How Behavior Shapes Attitudes: Cognitive dissonance processes", In: Attitudes and Attitude Change, Edited by William D. Crano, RadmilaPrislin, Taylor and Francis, 2010.
17. Zhou, Xinyue&Zheng, Liwei& Zhou, Lixing&Guo, Nan. The act of rejecting reduces the desire to reconnect: Evidence for a cognitive dissonance account'. Journal of Experimental Social Psychology, 2009.

الگوی ناهماهنگی شناختی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین الگوهای تکوین نگرش در روان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌آید